■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

یکشنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۸ | ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۴۴ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Sunday - 2019 December 8

حدیث روز: بحارالانوار

پیامبر اسلام(ص): مشورت دژی در مقابل پشیمانی و مایه ایمنی از سرزنش است.

پلک احساس: سعدی

همه عمر برندارم سر از این خمار مستی
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی

امروز در تاریخ:

- آغاز تأسیس تهران جدید در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۴۶ ش)
- تولد داریوش مهرجویی، کارگردان ایرانی (۱۳۱۸ ش)
- بلوای نان در تهران و توقیف روزنامه‌ها (۱۳۲۱ش)
- درگذشت احمد قدکچیان، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون (۱۳۸۵ ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۱/۵۶ — غروب آفتاب: ۱۶/۵۱
اذان مغرب: ۱۷/۱۱ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۲
اذان صبح (فردا): ۵/۳۲ — طلوع خورشید (فردا): ۷/۰۲

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	ایلام	اصفهان	اردبیل	بجنورد	خرم‌آباد	کرمانشاه	گرگان
۱۱ / ۳	۶ / ۲-	۱۰ / ۴-	۶ / ۳-	۱۲ / ۰	۹ / ۲-	۲ / ۲-	۱۴ / ۶

حکمت ۸۰: نهج‌البلاغه

حکمت گمشده مؤمن است، حکمت را فراگیر هر چند از منافقان باشد.

تاثیر قطب جنوب بر مغز

تحقیقی جدید نشان می دهد مغز ۹ محقق پس از ۱۴ ماه اقامت در ایستگاهی اکتشافی در قطب جنوب کوچک‌تر شده است.

به گزارش مهر، هشت دانشمند همراه یک آشپز در یک ایستگاه تحقیقاتی در نزدیکی ساحل این قاره یخی اقامت داشتند. اما نگاه‌کردن به چشم اندازی خالی برای طولانی مدت، زندگی در یک سازه کوچک با افرادی یکسان به مدت بیش از یک سال به مغز این افراد فشار آورده است. اسکن‌های قبل و بعد از این سفر اکتشافی نشان داد قسمت‌هایی از مغز این افراد که مربوط به یادگیری، احساسات و حافظه است، طی این سفر کوچک‌تر شده‌اند.

این یافته‌ها مشابه کشفیات دانشمندان درباره تاثیر اقامت در فضا روی مغز فضانوردان است. تحقیقات نشان داده توانایی مغزی فضانوردان پس از سفر فضایی کاهش می یابد و تغییراتی در فعالیت‌های الکتریکی مغز آنها رخ می دهد.

این پژوهش نشان می دهد اگر از قسمت‌های مختلف مغز استفاده نشود، آنها از بین می‌رود. از آنجا که مغز محققان هنگام سفر اکتشافی به اندازه کافی تحریک نمی شده، بخش‌هایی از آن ضعیف‌تر و کوچک‌تر شده است. مشابه این اتفاق در عضلات بدن انسان نیز می افتد.

دوستی شکارچی با شکار

در اتفاقی باورنکردنی، یک قورباغه گرسنه درحالی که دهان خود را برای شکار یک موش باز کرده بود ناگهان منصرف شد و با این جونده دوست شد! به گزارش فرارو، صحنه ای شگفت انگیز توسط یک عکاس در مناطق جنگلی جاکارتا، پایتخت اندونزی گرفته شده است که ابتدا شکار و شکارچی را دشمن و سپس دوست صمیمی نشان می دهد. قورباغه سبز که قصد شکار یک موش سفید را داشت و زبان دراز خود را برای گرفتن آن آماده کرده بود ناگهان از این کار دست کشید؛ اما این پایان ماجرا نبود. پس از این‌که قورباغه از خوردنش دست کشید موش سفید که بسیار ترسیده بود و چشمان خود را بسته و می لرزید با کشیدن دست روی سر قورباغه از این‌که او را نخورده تشکر کرد! معمولا قورباغه‌ها موش‌ها را می خورند، اما مشخص نیست چرا این شکارچی گرسنه تصمیم خود را عوض کرده است.

گرم شدن با گل‌های وحشی

شرکت Pangaia به جای استفاده از پرهای طبیعی یا الیاف مصنوعی به منظور تولید گرما در کاپشن‌های تازه خود از گل‌های طبیعی و وحشی خشک شده استفاده کرده است.

به گزارش فارس، مزیت تولید چنین کاپشنی سازگاری آن با محیط زیست و عدم ایجاد آلودگی بعد از اتمام استفاده است. شرکت سازنده می گوید ده سال وقت صرف تحقیق و پژوهش به منظور تولید چنین کاپشنی کرده است. در این کاپشن علاوه بر گل‌های طبیعی از نوعی پلیمر زیستی هواژل نیز استفاده شده است. شرکت سازنده مدعی است این کاپشن جلوی تنفس پوست بدن و دریافت هوا توسط آن را نمی گیرد و ضدآلرژی است. این کاپشن در سه مدل برای زنان، مردان و کودکان عرضه می شود و قیمت ساده ترین مدل آن ۵۵۰ دلار است. زمان دقیق عرضه این کاپشن به بازار هنوز اعلام نشده است.

گفت و گو با احمد طالبی‌نژاد درباره فیلم «مهمان مامان» در سالروز ۸۰ سالگی داریوش مهرجویی

کافه میرداماد

بهترین تصویر از «ما»

احمد طالبی‌نژاد، منتقد سینما و کارگردان

نمایی از فیلم «مهمان مامان»

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

داریوش مهرجویی امروز وارد ۸۰ سالگی می‌شود. او یکی از کارگردانان تاثیرگذار در سینمای ایران است. فیلم «گاو» که سال ۴۸، زمانی که سینمای ایران دربست در اختیار فیلمفارسی و فیلم‌های سطحی بود، ساخته شد و مانند هوایی تازه به سینمای ایران جان داد. فیلمی که بر اساس داستان کوتاهی از غلامحسین ساعدی به نام عزاداران بیل مقابل دوربین رفت. مهرجویی بعد از فیلم گاو فیلم‌های درخشانی بر اساس رمان‌ها و داستان‌های معتبر ساخت و سنگ بنای اقتباس در سینمای ایران را به درستی پایه‌گذاری کرد؛ فیلم‌هایی مانند آقای هالو، دایره مینا، سارا، پری، درخت گلابی، سنتوری و مهمان مامان برخی از این اقتباس‌های درخشان است.

برای دهه شصتی‌ها اما مهرجویی یعنی فیلم‌هامون. این فیلم آنقدر محبوبیت دارد، که علاقه‌مندانش با نام «هامون‌بازان» معروف شده‌اند. اما مهرجویی بین عموم مردم با دو فیلم شهرت دارد؛ اجاره‌نشین‌ها که به گفته برخی منتقدان هنوز بهترین فیلم کمدی ایران است و فیلم مهمان مامان که اقتباسی است از داستانی به همین نام از هوشنگ مرادی کرمانی. سینمای ایران بدون آثار مهرجویی حتما ناقص و بی‌معناست، هر چند برخی معتقدند او با ساخت فیلم‌هایی مانند هامون – با محبوبیت میلیونی‌اش – و پری، سینمای عرفانی را در دهه ۶۰ و ۷۰ باب کرده که سینماگران جوان آن سال‌ها به تقلید از او فیلم‌های ضعیفی ساخته‌اند که هر جور شده در سینما بتوانند حضور داشته و فیلم بسازند. برخی هم معتقدند مهرجویی بعد از مهمان مامان و سنتوری دیگر نباید فیلم می‌ساخت چون بعد از آن از اوج، فرود آمد و دیگر نتوانست دوره طلایی خود را ادامه دهد.

خانه‌ای شبیه جامعه

احمد طالبی‌نژاد، سینماگر، منتقد و کارشناس سینمایی بر این باور است که فیلم مهمان مامان، آخرین فیلم از دوره طلایی مهرجویی بود. این منتقد می‌گوید: مهمان مامان بهترین اقتباس از آثار آقای مرادی کرمانی نیز است. از داستان‌های این نویسنده فیلم و سریال زیاد ساخته شده اما هیچ‌کدام به قوت مهمان مامان نیست. من داستان مهمان مامان را خوانده‌ام و فیلم را هم دیده‌ام، به باور من فیلم از داستان قوی‌تر است و پایان‌بندی منسجم‌تر و زیباتری دارد. آقای کرمانی در نوشتن فیلمنامه هم مشارکت داشته و قطعا حضورش در بهتر شدن آن تاثیر داشته است.

طالبی‌نژاد که فیلم من بن لادن نیستم را نیز کارگردانی کرده، درباره داستان فیلم مهمان مامان می‌گوید: داستان فیلم در یک خانه قدیمی اتفاق می‌افتد؛ خانه‌ای که چند اتاق دارد و در هر اتاقش خانواده‌ای زندگی می‌کنند. برای یکی از این خانواده‌ها، دو مهمان می‌آید که مادر خانواده (گلاب آدینه) با آنها رودربایستی دارد. همه ساکنان این خانه قدیمی تلاش می‌کنند «مامان» به بهترین شکل ممکن از مهمان‌هایش پذیرایی کند. حتی پیرزن فقیر این خانه (فریده سپاه منصور) هم در قد و اندازه خودش کمک می‌کند. زن حامله (نسرین مقانلو) هم سهم خود را می‌دهد و در آشپزی کمک می‌کند. فیلم مهمان مامان نشان می‌دهد که این خانه به اندازه وسعت دل‌های ساکنانش بزرگ است. فیلم درباره موضوعی صحبت می‌کند که دیگر الان در جامعه ما وجود ندارد؛ همدلی، صفا و صمیمیت. الان دیگر آن خانه‌های قدیمی که همه دور هم زندگی می‌کردند از بین رفته و جایش را به آپارتمان‌های قوطی کبریتی داده که فقط آدم را دلگیر و دلمرده می‌کند. حالا دیگر از محله‌های قدیمی خبری نیست. قدیم‌ها مردم بر این باور بودند که تا ۴۰ خانه این طرف و آن طرف، همسایه هستند. همین تفکر محله‌هایی را شکل می‌داد که همه یکدیگر را می‌شناختند و از حال هم باخبر بودند و در گرفتاری‌ها و مشکلات به داد هم می‌رسیدند اما الان جای محله‌ها را مجتمع‌های آپارتمانی گرفته، نمونه‌اش منطقه نواب. خانه‌های این منطقه چند سال پیش کوبیده شد و بزرگراهی از میان آنها گذشت و خانه‌های قدیمی شدند آپارتمان‌های قلکی و دلگیر. این تغییرات اجتناب‌ناپذیر است اما هویت ما را هم از بین می‌برد و روابط اجتماعی را به صفر می‌رساند.

در فیلم مهمان مامان، دوربین بیشتر در داخل خانه است، فقط چند باری بیرون می‌رود که در همین سکانس‌ها نقاله‌ای را می‌بینیم که نشان می‌دهد این محله هم در حال خراب شدن و تبدیل به مجتمع آپارتمانی است. اتاق مامان ایوانی دارد که روی آن گچبری‌هایی دیده می‌شود که برخی جاهای آن ریخته شده و این هم نشانه فرامتنی بر این موضوع است که سنت‌ها و اصالت‌های دوست‌داشتنی و زیبای قدیمی در حال از بین‌رفتن است. ساکنان خانه هر کدام تعریف خاص خود را دارند، یکی دانشجوی پزشکی است (امین حیایی)، دیگری معتادی است که از خانواده مرفه خود بریده و به این خانه پناه آورده (پارسا پیروزفر). همه این آدم‌ها در بزنگاه به یکدیگر کمک می‌کنند و این اصل داستان است، اصلی که از بین رفته. مهمان مامان فیلم گرمی است، بازی‌ها درخشان است، به خصوص بازی خانم گلاب آدینه که می‌درخشد. او تبحر خاصی در اجرای نقش زنان زجرکشیده دارد و این درخشش را در فیلم زیرپوست شهر خانم رخشان بنی‌اعتماد هم دیدیم. با وجود این همه شخصیت‌های متنوع، منی وجود ندارد. همه در کنار هم «ما» را شکل داده‌اند. چیزی که در جامعه امروز دیگر دیده نمی‌شود و فقط «من»ها حضور دارند.

پیشگویی‌های آقای کارگردان

به طالبی‌نژاد می‌گویم، آقای مهرجویی کارگردان هوشمندی بوده که ۱۶ سال قبل فیلمی می‌سازد با موضوع از دست رفتن اصالت‌های یک کشور.

این منتقد و نویسنده می‌گوید: آقای مهرجویی پیش از این در فیلم اجاره‌نشین‌ها هم پیشگویی کرد. در این فیلم خانه‌ای را به تصویر کشید که به‌دلیل نبود انسجام و همفکری در بین ساکنان و اختلافات بین آنها روزی خراب می‌شود.

از این کارگردان می‌پرسم، به نظرتان چرا در سینمای امروز ایران دیگر از آن پیشگویی‌ها خبری نیست و فیلمسازان از مردم عقب‌ترند؟

می‌گوید: چون سینمای مستقل از بین رفته. بیشتر تهیه‌کننده‌ها و سرمایه‌گذاران از بدنه سینما نیستند، آنها پول‌هایی را وارد سینما می‌کنند که نمی‌توان با آنها فیلم‌های درست و درمان ساخت. سریال شهرزاد در استاندارد خوبی ساخته می‌شود اما بعد مشخص می‌شود پولش از کجا آمده، این سریال ساخته شد تا بخشی از پروژه پولشویی باشد. فیلم متری شیش و نیم ساخته می‌شود که سکانس‌های درخشانی دارد اما این فیلم هم، فیلم مستقلی نیست چون سرمایه و پولش از جایی دیگر به جز سینما آمده است. وقتی سینما مستقل نباشد و جریان سرمایه‌اش خارج از سینما شکل بگیرد، فیلمساز نمی‌تواند حرف دلش را بزند و این عاملی است که سینمای امروز ایران کاملا منفعل شده است.

احساس تکلیف

علی رئوف

احساس تکلیف خیلی حس خوبی است. من این احساس را دوست دارم. من اولین بار که تکلیفم را احساس کردم زمانی بود که معلم‌مان گفته بود ده سطر خط صاف بکشیم و من به خاطر آن تکلیف نتوانستم به کوچه بروم و با بچه‌ها بازی کنم. در خانه ماندم و تکلیفم را احساس کردم. من همیشه دوست دارم از خودم بگذرم و احساسات دیگرم را در مقابل احساس تکلیف در نظر نگیرم. هر جا حس کنم با تکلیف من مردم زیادی از درد و رنج خلاص می‌شوند احساسش می‌کنم. مثل همان موقع که توپ فوتبال دوستم باد نداشت و من یك سر سوزن توپ را کردم داخل والف لاستیك ماشین معلم‌مان و توپ را باد کردم. من احساس تکلیف را دوست دارم.

بررسی سحر

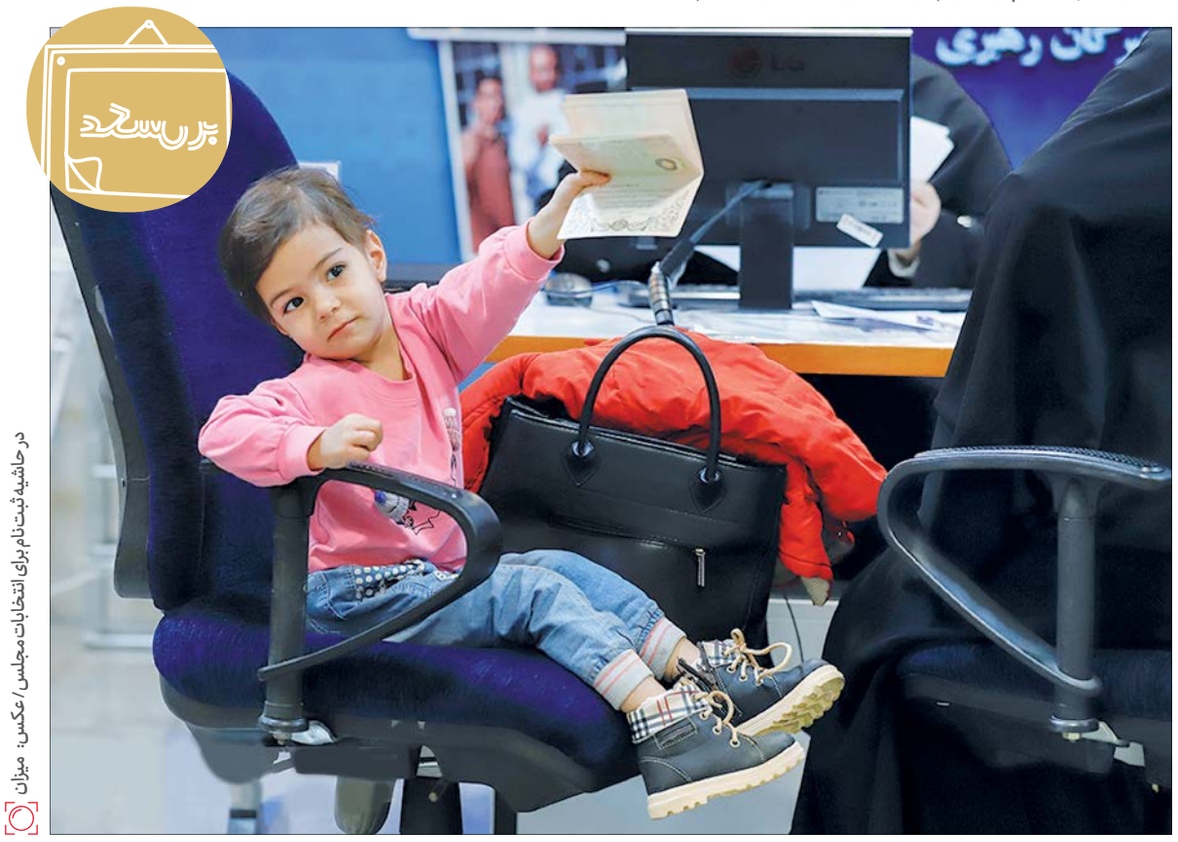

در حاشیه ثبت‌نام برای انتخابات مجلس / عکس: میزان

گوشی جنجالی نخست‌وزیر انگلیس

استفاده بوریس جانسون، نخست وزیر انگلیس از یک گوشی هوآوی پی ۲۰ برای تهیه عکس سلفی با مجریان شبکه آی تی وی این کشور جنجال آفرین شد. به گزارش مهر، در شرایطی که انگلیس از طرف دولت ترامپ برای عدم همکاری با هوآوی به منظور ارائه خدمات نسل پنجم تلفن همراه تحت فشار قرار دارد، این اقدام جانسون به مذاق برخی منتقدان وی خوش نیامده و آنها استفاده جانسون از یک گوشی هوآوی را تهدیدی برای امنیت ملی این کشور دانسته‌اند. جانسون و ترامپ به تازگی در جریان برگزاری نشست ناتو در لندن با یکدیگر دیدار کرده بودند و تحلیلگران معتقد بودند جانسون در جریان این دیدار دیدگاه‌های ترامپ علیه هوآوی را کم و بیش پذیرفته است، به خصوص که نخست وزیر انگلیس بعد از این نشست اگر چه مانعی بر سر راه سرمایه گذاری هواوی در این کشور ندیده بود، اما تصریح کرده بود منافع و امنیت ملی انگلیس را به این خاطر به خطر نمی اندازد.

مقطع حساس کنونی

حکایت مردوکت و شوك و باد و خورشید

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در روزگار پادشاهی خاورشاهیان، روزی خورشید که حوصله‌اش سر رفته بود، تصمیم گرفت با باد به گفت‌وگو بپردازد. پس رو به باد کرد و گفت: ای باد، آیا می‌دانی که من از تو بسیار قوی‌ترم؟ باد گفت: پس از سلام و ضمن احترام به نظر شما، تصور من این است که من از شما قوی‌ترم. خورشید گفت: مسابقه بدهیم؟ باد گفت: با کمال میل و افتخار. در این هنگام مردی را دیدند که کتی بر تن داشت و در حال عبور از جاده بود. خورشید گفت: آیا می‌توانی کت این مرد را از تن او دربیاوری و از او بگیری؟ باد گفت: سعی خود را خواهم کرد. سپس با تمام قدرت وزید و خود را به زیر کت مرد زد. مرد وقتی سرعت باد را مشاهده کرد، دکمه‌های کت خود را بست. باد وقتی چنین دید با قدرت بیشتری وزید و مجددا خود را به زیر کت مرد زد. مرد این‌بار با هر دو دست کتش را به‌طور محکم چسبید. باد هرچه قدرت داشت به کار بست، اما مرد هر بار کت خود را محکم‌تر گرفت. تا آن‌که باد خسته شد و رو به خورشید کرد و گفت: عجب شخص چغر و بدبدنی بود. هرچه زور زدم نتوانستم کتش را دربیاورم و از او بگیرم. مطمئنم که تو نیز نخواهی توانست. خورشید گفت: حالا ببین. آن‌گاه با تمام قدرت شروع به تابیدن کرد و پرتو داغ و سوزان و پرمهر و بی‌دریغ خود را بر سر و روی مرد بارید و او را گرم کرد. مرد که کت خود را محکم گرفته بود، وقتی دید وضع هوا تغییر کرده و به‌جای آن‌که باد شدید بوزد، آفتاب عالمتاب می‌تابد، احساس امنیت کرد. وی در ادامه احساس کرد نه‌تنها لازم نیست کت خود را محکم بگیرد، بلکه هوا آنقدر گرم است که بهتر است آن را دربیاورد. پس به‌آرامی کت خود را از تن بیرون آورد و روی دستانش قرار داد. در این هنگام باد به‌جای آن‌که سرش را پایین بیندازد و به این توجه کند که خورشید پرمهر و محبت که پرتو خویش را بی‌منت به دیگران می‌بخشد با استفاده از عامل محبت کاری کرد که او با استفاده از عامل زور نتوانسته بود بکند، از فرصت نهایت حسن سوءاستفاده کرد و با وزشی ناگهانی کت مرد را از روی دست او برداشت و به هوا فرستاد و به این‌ترتیب حمله گازانبری به گنجینه حملات و شوك درمانی به گنجینه درمان‌های خاورشاهیان اضافه گشت.

لاغرکننده‌های صبحگاهی

با خوردن برخی از صبحانه‌های کم کالری یا کالری‌سوز می‌توان هم غذا خورد، هم لاغر شد.

به گزارش انتخاب، برخی از این خوراکی‌ها عبارتند از: نوشیدنی‌های کافئین‌دار: اگر یک نوشیدنی مثل قهوه را در وعده صبحانه خود قرار دهید، احتمال کاهش وزن شما افزایش پیدا می کند. بهتر است صبح‌ها به جای نوشیدن خوراکی‌های پرکالری یا شیرین، بیشتر از نوشیدنی‌های حاوی قهوه‌های کم شکر یا بدون شکر و البته چای بدون قند استفاده کنید.

تخم‌مرغ: به جای ساندویچ کردن خوراکی‌های ناسالم می توانید صبح‌ها ساندویچ‌های سالم بخورید که شامل تخم‌مرغ، گوجه‌فرنگی، خیار و ...باشد. با این روش روزانه حدود صد کالری صرفه جویی می‌کنید. گریپ‌فروت: وقتی افراد چاق قبل از هر وعده غذایی نیمی از گریپ فروت را می‌خورند، به طور کلی انسولین و ذخیره چربی خود را کاهش می دهند. حداقل ۹۰ درصد گریپ‌فروت را آب تشکیل می دهد. مصرف گریپ‌فروت به کاهش فشار خون نیز کمک می‌کند.